

وضعیت اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی سالمندان استان ایلام در ۴ دهه گذشته

بهره‌رزیپیدنامه^۱
اسحاق قیصریان^۲

چکیده

مقدمه: سالمندی جمعیت پدیده نوینی در کشورهای جهان است؛ البته تجربه این پدیده در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه تفاوت دارد؛ به گونه‌ای که سریع‌ترین رشد سالمندی مربوط به کشورهای در حال توسعه است. رشد جمعیت غیرفعال آثار نامطلوبی در ابعاد اقتصادی و اجتماعی جامعه دارد؛ زیرا جمعیت جوان و سالخورده بیش از آنکه تولیدکننده باشد، مصرف‌کننده و در نتیجه وابسته به جمعیت فعال و شاغل است. در این مقاله، وضعیت اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی سالمندان استان ایلام بررسی شده است.

روش: از روش تحقیق تحلیل ثانویه داده‌ها و بهره‌گیری از اطلاعات سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن استان ایلام طی سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۹۵ برای پاسخگویی به سؤالات پژوهش استفاده شده است.

یافته‌ها: جمعیت ۶۵ ساله و بیشتر استان ایلام از ۴/۰۳ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۵/۶۱ درصد در سال ۱۳۹۵ افزایش پیدا کرده و میانه سنی جمعیت استان بین ۱۵ تا ۲۹ سال نوسان داشته است. بیشترین مقدار آن نیز مربوط به سرشماری سال ۱۳۹۵ و کمترین آن مربوط به سال ۱۳۶۵ بوده است. نسبت جمعیت سالمند مناطق روستایی از ۸۱ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۴۳ درصد در سال ۱۳۹۰ کاهش یافته و نسبت وابستگی سالمندان در سال ۱۳۶۵ به کمترین مقدار رسیده است. درصد باسوادی سالمندان استان در سال ۱۳۶۵ حدود ۸ درصد بوده که در سال ۱۳۹۵ به ۲۹ درصد رسیده است.

نتیجه‌گیری: در مجموع شاخص‌های میانه سنی، ضریب سالمندی و میزان سالخورده‌گی نشان می‌دهند که ساختار جمعیتی استان ایلام در سال ۱۳۸۵ وارد مرحله میانسالی (رو به سالخورده‌گی) شده است و در حال بهره‌مندی از سود جمعیتی اول است.

واژگان کلیدی: سالمندی، گذار جمعیت، ساختار سنی، ایلام.

bsepidnameh@yahoo.com

۱. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه ایلام، ایلام، ایران (نویسنده مسئول)

۲. دانش‌آموخته دکتری تخصصی جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی دانشگاه فرهنگیان استان ایلام، ایلام، ایران

ghaysaryane@gmail.com



مقدمه و بیان مسئله

محققان به پویایی جمعیت و پیامدهای آن در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و بهداشتی تأکید دارند. آنچه قابل توجه است، تأثیرپذیری این پیامدها از گذار ساختار سنی جمعیت است. گذار ساختار سنی جمعیت شامل چهار مرحله کودکی، جوانی، میانسالی و سالخوردگی است که به ترتیب و در شرایط مختلفی رخ می‌دهد (فتحی، ۱۳۹۹: ۲۳). یکی از این مراحل، سالخوردگی جمعیت است که برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری جهت غلبه بر پیامدهای آن و بهره‌برداری از مزایای استقرار سالخوردگی جمعیت در قالب سود جمعیتی دوم اجتناب‌ناپذیر است.

در تحولات جمعیتی، با کاهش باروری، ساختار سنی جمعیت، تغییر و به سمت سالخوردگی حرکت می‌کند. این روند در تمام جمعیت‌ها رخ می‌دهد. در ایران به دلیل کاهش شدید و سریع باروری، زمان و شدت سالخورده‌شدن جمعیت با بسیاری از کشورهای دیگر متفاوت خواهد بود (کاشانیان و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۲). جمعیت ایران قبل از کاهش باروری، کاهش مرگ و میر را تجربه کرده است. وقتی احتمال زنده‌مانی افزایش پیدا می‌کند، اگر باروری ثابت باشد، ساختار سنی جوان خواهد ماند؛ بنابراین عامل اصلی سالمندی و سالخوردگی جمعیت، کاهش باروری است، نه مرگ و میر و نه امید به زندگی. وقتی در جمعیتی مثل جمعیت ایران، قبل از کاهش باروری، امید به زندگی افزایش پیدا می‌کند، به دلیل احتمال زنده‌مانی سالمندان و میانسالان، کاهش باروری از یک سو و افزایش امید به زندگی از سوی دیگر، به تدریج و در افق دور جمعیت را سالمند خواهد کرد. این پیامد در همه جمعیت‌ها اتفاق می‌افتد و تابع شرایط خاص اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی نیست. کاهش باروری جمعیت را به سمت سالخوردگی می‌برد و شدت، سرعت و میزان سالمندی جمعیت تابع میزان کاهش باروری است. چون در ایران و به تبع آن در استان ایلام کاهش در باروری به سرعت رخ داده است، طبیعی است که سرعت سالخوردگی جمعیت هم بالا خواهد بود و هم شدت بیشتری خواهد داشت؛ در نتیجه پیامد این وضعیت در افق دور و پیامد ثابت ماندن جمعیت، وضعیتی است که ابرسالمندی نامیده می‌شود. جمعیت‌های ابرسالمند یا دارای سالخوردگی مفرط به جمعیت‌هایی گفته می‌شود که سن نزدیک به یک سوم جمعیت‌شان ۶۰ سال و بالاتر باشد (سازمان

ملل، ۲۰۱۹). رشد سریع جمعیت سالمند و اثراتی که پدیده سالمندی بر جامعه دارد، سبب شده است که سالمندی به عنوان مسئله‌ای اجتماعی در اکثر جوامع مورد توجه قرار گیرد. با توجه به اینکه دوره سالمندی اختصاص به قشر یا گروه خاصی ندارد و با کاهش مولید و افزایش امید به زندگی سهم سالمندان از کل جمعیت در حال افزایش است، به منظور برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در حوزه سالمندی، ضرورت دارد ویژگی‌های سالمندان و جمعیت سالخورده مورد بررسی قرار گیرد؛ از این رو، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که وضعیت اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی سالمندان استان ایلام طی ۴ دهه گذشته چگونه بوده است؟

مبانی نظری

رویکردهای نظری‌ای که به تبیین سالمندی می‌پردازند را می‌توان به دو دسته کلان و خرد تقسیم‌بندی کرد: نظریه‌های سطح کلان به موضوع تحولات جمعیتی، تأثیرپذیری ساختار سنی جمعیت از این تحولات و پیامدهای تغییر ساختار جمعیتی می‌پردازند که از میان این نظریه‌ها می‌توان به نظریه‌های گذار جمعیتی، گذار ساختار سنی و سود جمعیتی اشاره کرد. در رویکردهای نظری سطح خرد به بررسی زیست‌شناختی، روانشناختی و جامعه‌شناختی پدیده سالمندی پرداخته می‌شود که در این مقاله ضمن توجه به ویژگی‌های سالمندان، رویکردهای نظری سطح کلان مورد بحث قرار خواهد گرفت. **نظریه گذار جمعیت:** یکی از موضوعات عمده در مطالعات جمعیتی، نظریه انتقال یا گذار جمعیتی است. منظور از آن این است که جمعیت‌ها از وضعیتی که سطح زاد و ولد و مرگ و میر در آن بالا و در نتیجه رشد جمعیت ناچیز است به وضعیتی انتقال می‌یابد که در آن سطح زاد و ولد و مرگ و میر پایین و باز هم رشد ناچیز است (زنجانی و دیگران، ۱۳۸۴: ۷۱). این نظریه نخستین بار توسط وارن تامپسون^۲ در سال ۱۹۲۹ ارائه شد و بعدها توسط نوتشتاین و بلاکر در سال‌های ۱۹۴۵ و ۱۹۴۷ تکمیل گردید.

1. Demographic Transition
2. Warren Thompson



نظریه انتقال جمعیت، تغییرات میزان مولید و مرگ و میر را به موازات گذار از شرایط اقتصادی، اجتماعی و سنتی قبل از مدرن به یک جامعه مدرن صنعتی و شهری توصیف می‌کند (راس، ۱۹۹۶: ۳۴).

از نظر زمان شروع و مراحل گذار، کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه تفاوت‌هایی اساسی با هم دارند. با توجه به ارتباط میان مرگ و میر و عوامل اقتصادی و اجتماعی، باید گفت که کاهش مرگ و میر ابتدا در کشورهای آغاز شد که به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و تاریخی برجسته‌تر بودند. کشفیات و پیشرفت‌های علم پزشکی و علوم وابسته به آن، که ریشه در جوامع توسعه‌یافته دارد، و حتی پیشتر از این پیشرفت‌ها اقداماتی که در زمینه بهبود شرایط بهداشتی و توسعه آن در سطح عمومی جامعه اروپا صورت گرفت، نقشی مهم و اساسی در کاهش سطح مرگ و میر ایفا کرد. به لحاظ اقتصادی نیز بهبود تولید و عرضه مواد غذایی، استفاده مطلوب از زمین‌های زیر کشت غلات و ... که ابتدا در جوامع توسعه‌یافته صورت گرفت در این زمینه بی‌تأثیر نبود. کاهش مرگ و میر، که در جوامع توسعه‌یافته حدود ۱۵۰ سال به طول انجامید، در کشورهای در حال توسعه که دیرتر گذار جمعیت‌شناختی را تجربه کرده بودند، تنها در یک فاصله زمانی ۵۰ ساله صورت گرفت. در کشورهایی که گذار جمعیتی را در یک بازه زمانی طولانی و آرام آغاز کرده‌اند، سالخوردگی جمعیت رشد کمتری دارد؛ اما در کشورهای در حال توسعه که گذار جمعیتی را در بازه زمانی کوتاهی طی نموده‌اند، با رشد فزاینده و سریع سالخوردگی جمعیت روبه‌رو خواهند شد (سیدمیرزایی، ۱۳۷۷: ۶۹).

نظریه گذار ساختار سنی جمعیت: تغییر در ساختار سنی جمعیت متأثر از گذار جمعیتی است. کاهش باروری و مرگ و میر به تغییرات اساسی در ساختار سنی جمعیت منجر می‌شود. افزایش امید به زندگی در بدو تولد در مراحل اولیه گذار جمعیتی، افزایش جمعیت کودکان و در مراحل پایانی گذار، افزایش جمعیت سالخورده را در پی دارد. تغییرات در مرگ و میر کمتر از تغییرات در باروری، توزیع سنی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ بنابراین کاهش باروری به تغییرات اساسی در ساختار سنی جمعیت در گذار از ساختار جوان به سالخورده منجر می‌شود (شیری، ۱۳۹۷: ۱۲). قبل از شروع گذار جمعیتی، مولید زیاد، رشد جمعیت کند و ساختار جمعیت

جوان است و در بستر گذار جمعیتی، ابتدا مرگ و میر؛ سپس باروری کاهش می‌یابد؛ در نتیجه رشد جمعیت ابتدا افزایش سریع و سپس دوباره کاهش می‌یابد. با حرکت به سمت باروری پایین و زندگی طولانی، جمعیت سالخورده شکل خواهد گرفت (عزتی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۲۸)؛ بنابراین کاهش باروری به تغییرات اساسی در ساختار سنی جمعیت در گذار از ساختاری جوان به ساختاری سالخورده منجر می‌شود.

ساختار سنی جمعیت و توسعه اقتصادی: سه نحله فکری در حوزه اقتصاد جمعیت مطرح شده است: ۱- دیدگاه بدبینانه جمعیت، رشد جمعیت را مانع توسعه اقتصادی می‌داند و آن را به عنوان یک مشکل مطرح می‌کند. ۲- دیدگاه خوش‌بینانه جمعیت که نه تنها رشد جمعیت را معضل نمی‌داند؛ بلکه آن را منبع ثروت و رفاه و محرک رشد اقتصادی قلمداد می‌کند. ۳- دیدگاه سوم موضعی بی‌طرفانه اتخاذ کرده و بر این باور است که رشد جمعیت به تنهایی و جدا از سایر عوامل، تأثیر اندکی در رشد اقتصادی دارد (کلی، ۲۰۰۱: ۵۳؛ به نقل از عزتی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۳۰)؛ با این حال علاوه بر رشد جمعیت، ساختار سنی جمعیت نیز می‌تواند اثرات قابل توجهی در عملکرد اقتصادی یک جامعه داشته باشد. در هریک از مراحل انتقال ساختار سنی، نوع و کیفیت نیازهای اجتماعی و جمعیتی تغییر می‌کند و با تغییر حجم جمعیت گروه‌های سنی، وضعیت اقتصادی جامعه تغییر خواهد کرد.

در مورد پیامدهای اقتصادی و اجتماعی سالخوردگی جمعیت دو دیدگاه متفاوت وجود دارد: ۱- دیدگاه بدبینانه بر این باور است که جمعیت‌های پیر و سالخورده با کاهش جمعیت واقع در سن کار روبه‌رو می‌شوند؛ به گونه‌ای که از یک طرف دولت‌ها با کاهش رشد اقتصادی مواجه می‌گردند و از سوی دیگر ناچارند هزینه‌های گزاف و جدیدی برای بیمه‌ها، خدمات و مراقبت از سالخوردگان پردازند. در این دیدگاه گفته می‌شود موفقیت اقتصادی به اندازه و کیفیت نیروی کار بستگی دارد. با عبور افراد از ۵۰ سالگی و بعد از آن، احتمال مشارکت در نیروی کار و از طرفی سرمایه و به عبارتی دارایی‌ها کاهش می‌یابد؛ زیرا سالمندان به طور فزاینده‌ای برای تأمین هزینه‌های زندگی خود به پس‌انداز متکی می‌شوند. ۲- طرفداران دیدگاه خوش‌بینانه بر این باورند که سالمندی جمعیت، فرصت‌های

جدیدی را به ارمغان می‌آورد؛ زیرا افراد مسن امروزی زندگی سالم‌تری در مقایسه با گذشتگان خود دارند؛ در نتیجه توانایی آنها برای سال‌های طولانی‌تر کار و فعالیت بیشتر است و با تجربه و مهارت‌های بیشتر ظرفیت‌ها و نیازهای مختلفی را برای جامعه مهیا می‌کنند؛ البته در این دیدگاه تأکید می‌شود که باید سازگاری با شرایط جدید در همه سطوح شخصی، سازمانی و اجتماعی فراهم آید (بلوم و همکاران، ۲۰۱۱: ۱). در بُعد اقتصادی سالمندی می‌توان به تقلیل نیروی فعال اقتصادی مولد اشاره کرد که سرانجام به افزایش جمعیت مصرف‌کننده منجر می‌شود. چنین تحولاتی علاوه بر سوگیری ناگزیر سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی به سمت سرمایه‌گذاری‌های جمعیتی، در صورت فقدان سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی در بازتولید سرمایه در خوش‌بینانه‌ترین دیدگاه، تنها به حفظ وضع موجود می‌انجامد (سیدمیرزایی، ۱۳۸۶: ۲۱۵). تغییراتی که در ساختار جمعیتی ایران رخ داده است، موجب سالخوردگی ساختار جمعیتی در دهه‌های آینده خواهد شد. سالخوردگی جمعیت نیز دو پدیده منفی کاهش نیروی کار و افزایش نسبت وابستگی اقتصادی را در پی خواهد داشت.

سود جمعیتی: میزان تأثیرپذیری رشد اقتصادی از تغییرات ساختار سنی جمعیت را سود جمعیتی^۱ می‌نامند که از پروفایل انتقالات اقتصادی نسلی به دست می‌آید. این شاخص نشان می‌دهد که سوددهی جمعیت در چه دوره‌ای مثبت و در چه دوره‌ای منفی است. سود جمعیتی طی دو مرحله اتفاق می‌افتد: سود جمعیتی اول به دوران به حداکثر رسیدن نیروی کار و رشد مثبت نسبت حمایت مرتبط است و سود جمعیتی دوم به افزایش بهره‌وری نیروی کار و دوران سالمندی جمعیت و افزایش انگیزه پس‌انداز در میان این بخش از جمعیت ارتباط دارد (محزون، ۱۳۹۶: ۱).

روش‌شناسی تحقیق

در این مطالعه از روش تحقیق تحلیل ثانویه اطلاعات استفاده شده و اطلاعات و داده‌های مورد نیاز از سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن استان ایلام طی سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۵ و داده‌های جمعیتی سازمان ملل

1. Demographic Dividend

به دست آمده است. از آنجایی که مطالعه از نوع تمام شماری است، نمونه گیری انجام نشده است. محاسبه شاخص های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی با استفاده از تکنیک های جمعیت شناختی و با بهره گیری از نرم افزارهای جمعیتی (pas¹) و نرم افزار اکسل انجام شده و از میانه سنی، ضریب سالمندی، میزان سالخوردگی، محل سکونت و نسبت جنسی^۲ به عنوان شاخص های جمعیتی، از نسبت وابستگی، میزان فعالیت، میزان اشتغال و میزان بیکاری به عنوان شاخص های اقتصادی و از تحصیلات و وضعیت زناشویی به عنوان شاخص های اجتماعی استفاده شده است.

شاخص های سالخوردگی و ویژگی های سالمندان استان ایلام ۱. شاخص های جمعیتی

ساخت جمعیت، شکل و ترکیب جمعیت را بر حسب سن و جنس نشان می دهد. ساختارهای جمعیتی در طول زمان دچار تغییر می شوند. ساختارهای سنی ممکن است به سه صورت جوان، رو به سالخوردگی و سالخورده باشند. در ساختار جمعیتی سالخورده، سهم افراد کمتر از ۱۵ سال کاهش می یابد و به حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد جمعیت یا کمتر از آن می رسد. نسبت افراد سالخورده نیز به ۸ درصد یا بیشتر افزایش می یابد (زنجان و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۴). به منظور پی بردن به ساختار جمعیت و تحولات آن در استان ایلام از شاخص میانه سنی جمعیت، ضریب سالمندی، درصد جمعیت بالای ۶۵ سال و نسبت وابستگی استفاده می شود.

1. Population Analysis Spreadsheets
2. Sex Ratio



جدول شماره (۱). میانه سنی، ضریب سالمندی و میزان سالخوردگی جمعیت استان ایلام طی سال‌های مورد بررسی

سال	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۹۵	۱۳۹۵- ۱۳۵۵
کل جمعیت	۲۴۶۰۲۴	۳۸۲۰۹۱	۴۸۷۸۸۶	۵۴۵۷۸۷	۵۵۷۵۹۹	۵۸۰۱۵۸	۲/۱۷
جمعیت زیر ۱۵ سال	۱۲۱۰۰۲	۱۹۵۲۰۴	۲۱۸۵۸۹	۱۳۸۱۱۸	۱۲۵۰۷۱	۱۳۴۵۷۶	۰/۲۶۶
جمعیت ۶۵ ساله و بیشتر	۹۹۲۴	۱۰۷۷۳	۱۸۱۶۸	۲۴۳۷۶	۲۶۲۵۴	۳۲۵۴۴	۳/۰۱
درصد جمعیت ۶۵ ساله و بیشتر	۴۰۳	۲۸۲	۳۷۲	۴۴۷	۴۷۱	۵۶۱	---
میانه سنی	۱۵۴۰	۱۴۵۵	۱۷۱۱	۲۳۳۰	۲۶۰۰	۲۹	---
ضریب سالمندی (درصد)	۸۲۰	۵۵۲	۸۳۱	۱۷۵۶	۲۰۹۹	۲۴۱۸	---

میانه سنی جمعیت^۱، سنی است که نیمی از افراد جامعه، کمتر و نیمی دیگر بیشتر از آن سن را دارند. میانه سنی جمعیت‌های طبیعی معمولاً بین ۱۵ تا ۴۰ در نوسان است. این رقم در جمعیت‌های جوان نزدیک ۱۵ و در جمعیت‌های سالخورده نزدیک به ۴۰ می‌باشد. در بین جمعیت‌های جوان، میانه سنی جمعیت در سطح حداقل است و در جمعیت‌های سالخورده به رقم حداکثر می‌رسد (کاظمی‌پور، ۱۳۸۴: ۵۵). شرایاک و سیگل جمعیتی را که میانه سنی آن زیر ۲۰ سال باشد، جوان، جمعیتی که میانه سنی آن بین ۲۰ تا ۳۰ سال باشد، میانسالی و جمعیتی را که میانه سنی آن ۳۰ سال یا بیشتر باشد، پیر به حساب می‌آورند (سرایی، ۱۳۸۲: ۹۴). بر اساس سرشماری‌های صورت گرفته در استان ایلام، میانه سنی بین ۱۵ تا ۲۹ سال نوسان داشته و بیشترین مقدار آن مربوط به سرشماری سال ۱۳۹۵ و کمترین آن مربوط به سال ۱۳۶۵ بوده است. پایین بودن میانه سنی به دلیل بالا بودن میزان مولید و پایین بودن امید به زندگی بوده که با کاهش میزان مولید و توجه بیشتر به کیفیت زندگی و بهبود شاخص‌های بهداشتی،

1. Median of Age Population

میانۀ سنی در سال‌های بعدی افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته است.

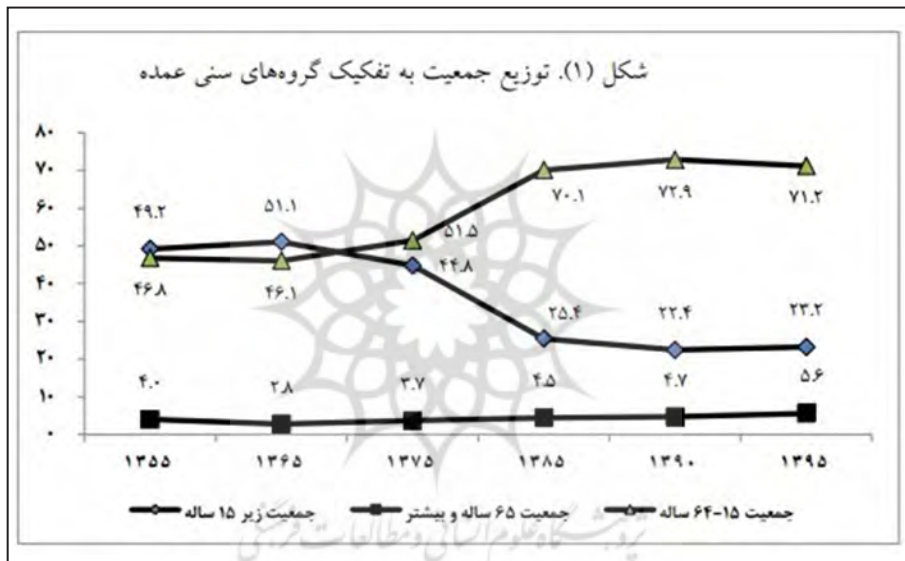
ضریب سالمندی^۱ از طریق تقسیم جمعیت ۶۵ ساله و بیشتر بر جمعیت زیر ۱۵ سال محاسبه می‌شود. بر اساس طبقه‌بندی شرایاک و سیگل، اگر تعداد کهنسالان در ازای ۱۰۰ نفر کم‌سن‌وسال کمتر از ۱۵ باشد، جمعیت جوان، اگر شاخص مزبور بین ۱۵ تا ۳۰ باشد، جمعیت میانسال و اگر ۳۰ یا بیشتر باشد، جمعیت پیر است (همان). طبق سرشماری سال‌های ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵، مقدار این شاخص، کمتر از ۱۰ بوده و کمترین مقدار آن در سال ۱۳۶۵ مشاهده شده است. در سال ۱۳۶۵ در مقابل هر ۱۰۰ نفر زیر ۱۵ سال، کمتر از ۵/۵ نفر سالمند در جامعه وجود داشته که این امر بیانگر جوان بودن ساختار سنی جمعیت استان ایلام است؛ اما در سرشماری سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ ضریب سالمندی به بیش از ۲۰ رسیده (جدول شماره ۱) و این افزایش به دلیل بالارفتن امید به زندگی و کاهش جمعیت زیر ۱۵ سال به دلیل اتخاذ سیاست‌های جمعیتی کنترل مولید در ایران بوده است.

میزان سالخوردگی جمعیت از طریق نسبت افراد ۶۵ ساله و بیشتر به کل جمعیت محاسبه می‌شود. این شاخص متأثر از امید به زندگی است. چنانچه میزان مرگ و میر در سنین سالمندی کاهش یابد، نسبت جمعیت در این سنین افزایش خواهد یافت و این امر در انتقال ساختارهای سنی جمعیت نقشی اساسی دارد. بر اساس طبقه‌بندی شرایاک و سیگل، اگر جمعیت ۶۵ ساله و بیشتر، کمتر از ۵ درصد باشد، آن جمعیت جوان، اگر درصد سالخوردگان بین ۵ تا ۱۰ درصد باشد، آن جمعیت میانسال و اگر درصد مزبور ۱۰ یا بیشتر باشد، آن جمعیت پیر است (سرای، ۱۳۸۲: ۹۲). درصد جمعیت ۶۵ ساله و بیشتر در کشورهای توسعه‌یافته (۱۸/۹ درصد در سال ۲۰۱۹) بالاتر از دیگر مناطق جهان و این درصد در ایران (۶/۴ درصد) کمتر از متوسط جهانی (۹/۱ درصد) است (سازمان ملل، ۲۰۱۹). تحول تعداد و درصد جمعیت ۶۵ ساله و بیشتر در استان ایلام طی سال‌های مورد بررسی نشان می‌دهد که در سال ۱۳۶۵ با توجه به تأثیر افزایش شدید

1. Aging coefficient

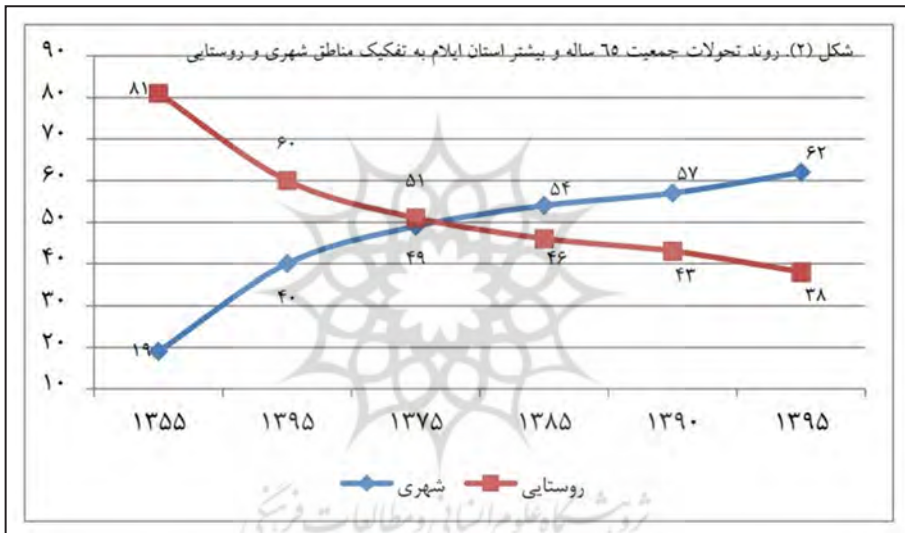


باروری، نسبت کودکان و نوجوانان افزایش یافته و در نتیجه درصد سالمندان تا حدودی کاهش داشته است؛ اما به دلیل برقراری مجدد تنظیم خانواده در سال ۱۳۶۸، از تعداد نسبی کودکان و نوجوانان در سال‌های بعدی کاسته شد و بر درصد سالمندان افزوده گردید. جمعیت ۶۵ ساله و بیشتر در استان ایلام از ۴/۰۳ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۵/۶۱ درصد در سال ۱۳۹۵ افزایش پیدا کرده است و در مجموع شاخص‌های میانه سنی، ضریب سالمندی و میزان سالخوردگی نشان می‌دهند که ساختار جمعیتی استان ایلام در سال ۱۳۸۵ وارد مرحله میانسالی (رو به سالخوردگی) شده است.



یکی از راه‌های تقسیم‌بندی جمعیت یک منطقه، استفاده از توزیع جمعیت بر اساس محل سکونت است. جمعیت را بر اساس وضعیت سکونت می‌توان به جمعیت شهری، روستایی و غیرساکن تقسیم‌بندی کرد که در این مقاله جمعیت روستایی و غیرساکن به عنوان جمعیت روستایی در نظر گرفته شده است. نسبت جمعیت شهرنشین طی سال‌های مورد بررسی به کل جمعیت از روند افزایشی برخوردار بوده و از ۲۰ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۶۴ درصد در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته و نسبت جمعیت سالمند مناطق روستایی از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰، از ۸۱ درصد به ۴۳ درصد کاهش

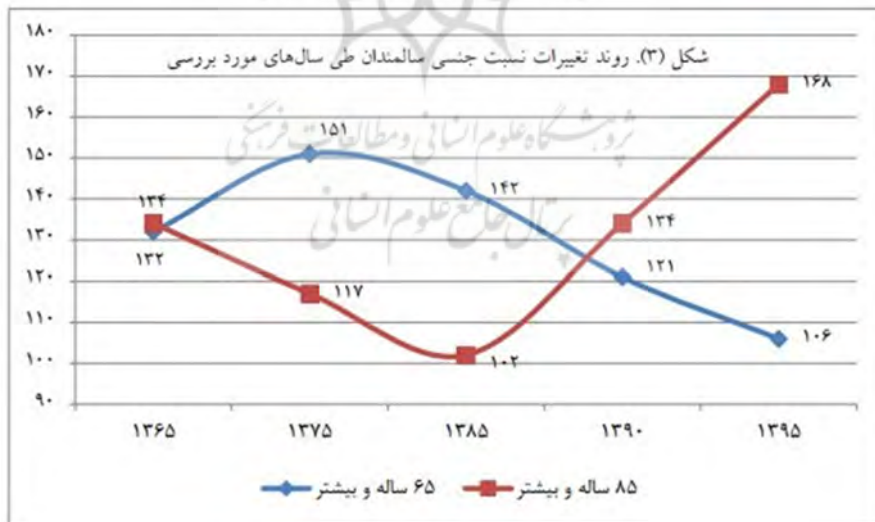
داشته است؛ در مجموع نسبت جمعیت سالمند در مناطق روستایی تا قبل از سرشماری ۱۳۸۵ بیشتر از مناطق شهری است و این در حالی است که امید به زندگی در مناطق روستایی معمولاً کمتر از مناطق شهری می‌باشد. علت اصلی بالاتر بودن نسبت سالمندان در مناطق روستایی نسبت به مناطق شهری، مهاجرت جمعیت روستایی به شهر است و این مهاجرت در بین جوانان بیشتر از سالمندان است. مهاجرت جوانان روستایی به شهرها باعث کاهش جمعیت جوانان و افزایش نسبت سالمندان در مناطق روستایی می‌شود.



نسبت جنسی

نسبت جنسی شاخصی است که با استفاده از آن می‌توان به نسبت بین زنان و مردان در جامعه پی برد. بررسی نسبت جنسی جمعیت ۶۵ ساله و بیشتر در ایران طی ۳۵ سال اخیر حاکی از آن است که جمعیت سالمند به سمت زنانه شدن پیش می‌رود (فتحی، ۱۳۹۹: ۸). عدم تعادل جنس در سنین سالمندی مسائل زیادی برای افراد سالمند و جامعه ایجاد می‌کند (حسینی، ۱۳۹۲: ۲۲۷). داده‌های حاصل از نتایج سرشماری استان ایلام نشان می‌دهد که در کل جمعیت و جمعیت ۶۵ ساله و بیشتر، نسبت جنسی بالاتر از ۱۰۰ است و این نشان‌دهنده بالا بودن تعداد مردان در مقایسه

با زنان در طی سال‌های مورد بررسی است. لازم به ذکر است امید به زندگی بر اساس احتمالات شرطی مرگ و میر محاسبه می‌شود و میزان مرگ و میر در گذشته بر آن تأثیر نمی‌گذارد؛ لذا بهبود وضعیت سلامت زنان باعث افزایش امید به زندگی در آنها شده؛ ولی در تغییر نسبت جنسی چندان مؤثر نبوده است. کمتر بودن تعداد زنان سالمند ناشی از مرگ و میر بالا و پایین بودن امید به زندگی آنان در سال‌های قبل از ۱۳۵۵ بخصوص قبل از سال ۱۳۳۵ بوده است (احمدی و دیگران، ۱۳۸۵: ۴)؛ علاوه بر این، کم‌شماری زنان و جابه‌جایی آنان به سنین پایین‌تر، بیش‌شماری و دوباره‌شماری مردان در فزونی تعداد مردان بر زنان و بالا بودن نسبت جنسی سنین بیش از ۴۰ سالگی تأثیرگذار است (میرزایی، ۱۳۸۱: ۳۶). تغییرات نسبت جنسی در کل جمعیت بین ۱۰۳ تا ۱۰۷ متغیر بوده؛ اما دامنه تغییرات نسبت جنسی در جمعیت ۶۵ ساله و بالاتر بین ۱۲۱ تا ۱۵۱ نوسان داشته و بیشترین نسبت جنسی جمعیت ۶۵ ساله و بالاتر در سال ۱۳۷۵ مشاهده شده است؛ البته مشاهده شده که نسبت جنسی بر اساس محل سکونت در مناطق روستایی به عدد ۱۶۶ نیز رسیده و در مناطق شهری به کمتر از ۱۰۰ نیز کاهش پیدا کرده است.



۲. شاخص‌های اقتصادی

بعد اقتصادی سالمندی یکی از مسائلی است که اکثر جوامع با آن روبه‌رو هستند؛ در واقع با خارج شدن فرد از چرخه اقتصادی و تبدیل شدن به نیروی غیرفعال و مصرف‌کننده، فشار اقتصادی بر روی جمعیت فعال و شاغل جامعه افزایش می‌یابد؛ به طوری که پترسون^۱ سالمندی را یک بار اقتصادی بی‌سابقه دانسته است (مک کلار، ۲۰۰۳: ۷۹). پدیده سالمندی را می‌توان تغییر توزیع جمعیت یک کشور به سمت سنین بالاتر به شمار آورد (ویل، ۲۰۰۷: ۱۲۷۵). رشد این پدیده به یکی از مهمترین معضلات کشورهای توسعه‌یافته در دهه‌های اخیر تبدیل شده و ثبات رشد اقتصادی و توسعه در این کشورها را با نگرانی‌های جدی روبه‌رو کرده است. سالمندی جمعیت در کشورهای در حال توسعه بسیار پیچیده‌تر از کشورهای توسعه‌یافته است؛ چراکه بسیاری از کشورهای در حال توسعه از درآمدهای بسیار پایین برخوردارند و قبل از اینکه درآمد کافی برای پس‌انداز داشته باشند از بازار کار خارج می‌شوند (یاوری و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۳).

نسبت وابستگی

نسبت وابستگی سالمندان از طریق تقسیم جمعیت ۶۵ ساله و بیشتر بر جمعیت ۱۵-۶۴ ساله قابل محاسبه است. جدول شماره (۲) تغییرات نسبت وابستگی کل و سالمندان را به تفکیک مناطق شهری و روستایی طی چهل سال گذشته در استان ایلام نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود نسبت وابستگی کل روند کاهشی داشته؛ به طوری که طی سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵ از ۹۲ به ۴۳ درصد کاهش یافته است. نسبت وابستگی سالمندان نوساناتی داشته؛ چنانکه در سال ۱۳۶۵ به دلیل پایین بودن تعداد سالمندان و بالابودن میزان مولید، این نسبت به کمترین مقدار (۵/۹ درصد) و در سال ۱۳۷۵ به ۷/۷ درصد و در سال ۱۳۸۵ به ۷/۴ درصد رسیده است. کاهش این نسبت در سال ۱۳۸۵ نسبت به سال ۱۳۷۵ به دلیل افزایش جمعیت ۱۵-۶۴ ساله می‌باشد. در مقایسه نسبت وابستگی کل و سالمندان

1. Peterson



به تفکیک محل سکونت مشاهده شده که معمولاً این نسبت‌ها در مناطق روستایی در تمامی سرشماری‌ها بالاتر از مناطق شهری و کل بوده است که این امر بالا بودن درصد سالمندان مناطق روستایی و بالابودن جمعیت مصرف‌کننده و غیرفعال مناطق روستایی را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۲). تغییرات نسبت وابستگی کل و سالمندان به تفکیک محل سکونت طی سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۹۵

۱۳۹۵	۱۳۹۰	۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	شرح	
۴۰	۳۷	۴۳	۹۴	۱۱۷	۱۱۴	کل	نسبت وابستگی کل
۳۹	۳۶	۴۱	۹۰	۱۰۹	۱۰۷	شهری	
۴۳	۳۹	۴۵	۹۹.۵	۱۲۳	۱۱۵	روستایی	
۶	۶	۶	۷	۶	۹	کل	نسبت وابستگی سالمندان
۵	۶	۶	۶	۶	۸	شهری	
۷	۸	۸	۸	۷	۹	روستایی	

وضعیت فعالیت اقتصادی

در استان ایلام در سال ۱۳۶۵ میزان فعالیت سالمندان ۲۸ درصد بوده که در سال ۱۳۹۰ به ۳۰ درصد رسیده است. میزان فعالیت اقتصادی مردان سالمند حدود ۵۰ برابر میزان فعالیت زنان سالمند است. این تفاوت فاحش در سال ۱۳۷۵ به نحوی بوده که میزان فعالیت مردان و زنان سالمند به ترتیب، حدود ۵۶ درصد و ۳ درصد شده است.

میزان فعالیت سالمندان مناطق روستایی بیش از مناطق شهری است. در مناطق روستایی به دلیل اینکه تعداد افراد بیمه‌شده دارای حقوق بازنشستگی از مناطق شهری کمتر است افراد مجبورند تا سن بالاتری فعالیت اقتصادی داشته باشند. بین میزان فعالیت اقتصادی آنها با سن آنها رابطه معکوسی وجود دارد؛ به طوری که متناسب با افزایش سن به طور طبیعی از میزان فعالیت اقتصادی سالمندان کاسته می‌شود. در سال ۱۳۷۵ میزان فعالیت سالمندان ۶۰ تا ۶۴ ساله حدود ۴۲ درصد بوده؛ در حالی که این نسبت برای افراد ۹۰ تا ۹۴ ساله حدود ۱۳ درصد به دست آمده است.

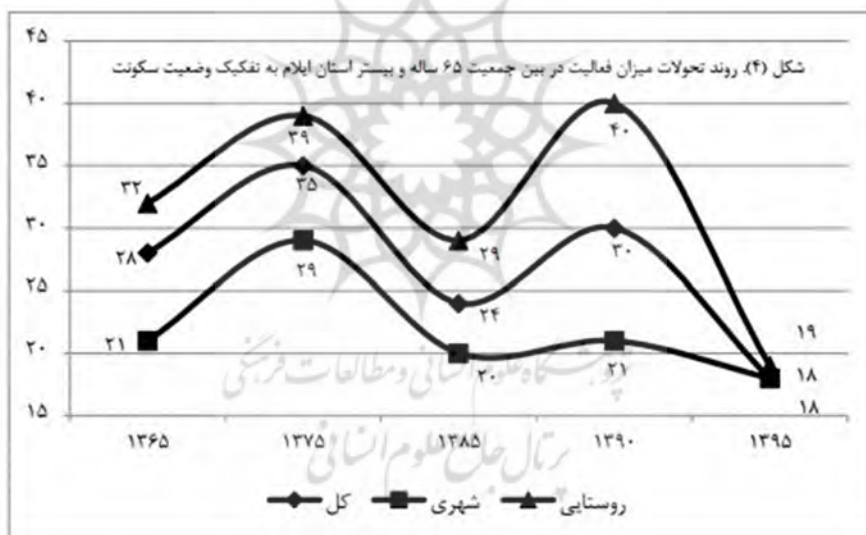
میزان اشتغال سالمندان هم مانند میزان فعالیت آنها در بین سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰ افزایش داشته است. در سال ۱۳۶۵ میزان اشتغال آنان ۸۲ درصد بوده که در سال ۱۳۹۵ این نسبت به ۹۸ درصد رسیده است. این افزایش در مناطق شهری و روستایی هم دیده می‌شود.

افزایش میزان اشتغال در بین زنان سالمند قابل توجه بوده است. در سال ۱۳۶۵ حدود ۷۲ درصد از زنان سالمند شاغل بوده‌اند که در سال ۱۳۹۰ این نسبت به بیش از ۹۸ درصد رسیده است. افزایش میزان اشتغال با کاهش میزان بیکاری همراه است. در سال ۱۳۶۵ بیش از ۲۸ درصد از زنان سالمند، بیکار (جویای کار) بوده‌اند که در سال ۱۳۸۵ این نسبت به کمتر از ۲ درصد رسیده است. در ارتباط با بعد جنسیت سالمندی از نظر اقتصادی باید گفت که به علت نابرابری بین دو جنس در مالکیت دارایی‌ها، اشتغال و کنترل بر درآمد و دارایی‌ها، سالمندی برای زنان مشکلات اقتصادی بیشتری به همراه دارد. با توجه به تأثیر توان اقتصادی بر میزان رضایت از سالمندی، به نظر می‌رسد که ضعف اقتصادی زنان به دلیل پایین بودن میزان اشتغال و فعالیت آنها موجب شده است که ورود به دوران سالمندی برای زنان دشوار و مشکل باشد.

در مناطق روستایی میزان بیکاری سالمندان کمتر از مناطق شهری است. در سال ۱۳۷۵ میزان بیکاری سالمندان در مناطق روستایی حدود ۱۱ درصد بوده؛ در حالی که این میزان در مناطق شهری حدود ۲۲ درصد به دست آمده است. مقایسه میزان فعالیت سالمندان و میزان فعالیت افراد در سن کار نشان می‌دهد که این میزان در هر دو مشابه هم‌دیگر است. به دلیل ناکافی بودن حقوق بازنشستگان کشوری برای رفع نیازهای اولیه زندگی، اکثر سالمندان بعد از پایان خدمت ۳۰ ساله اداری مجبورند به فعالیت ادامه دهند یا فعالیت جدیدی را شروع کنند؛ البته این امر در بین مردانی که مسئولیت خانواده را بر عهده دارند مشهودتر است و در بین زنان کمتر مصداق دارد؛ به بیان دیگر، زنان سالمند بعد از پایان خدمت اداری اکثراً فعالیت اقتصادی را رها می‌کنند و تعداد کمی که احتمالاً مسئولیت خانواده را هم بر عهده دارند به فعالیت اقتصادی خود ادامه می‌دهند.

جدول شماره (۳). میزان فعالیت، میزان اشتغال و میزان بیکاری جمعیت سالمند استان ایلام بر حسب محل سکونت طی سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۵

سال	کل			شهری			روستایی		
	میزان فعالیت	میزان اشتغال	میزان بیکاری	میزان فعالیت	میزان اشتغال	میزان بیکاری	میزان فعالیت	میزان اشتغال	میزان بیکاری
۱۳۶۵	۲۸	۸۲	۱۸	۲۱	۶۲	۲۸	۳۲	۸۹	۱۱
۱۳۷۵	۳۵	۸۵	۱۵	۲۹	۷۸	۲۲	۳۹	۸۹	۱۱
۱۳۸۵	۲۴	۹۳	۷	۲۰	۹۲	۸	۲۹	۹۴	۶
۱۳۹۰	۳۰	۹۸	۲	۲۱	۹۸	۲	۴۰	۹۹	۱
۱۳۹۵	۱۸	۹۸	۲	۱۸	۹۷	۳	۱۹	۹۶	۴

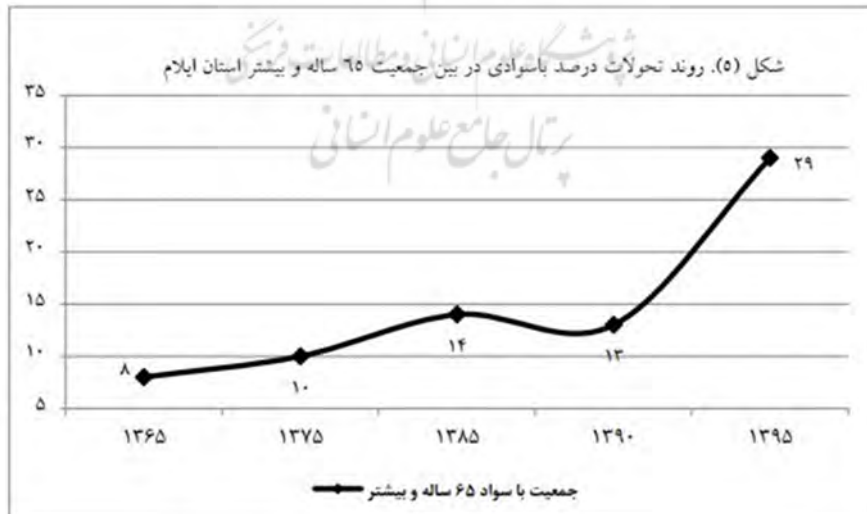


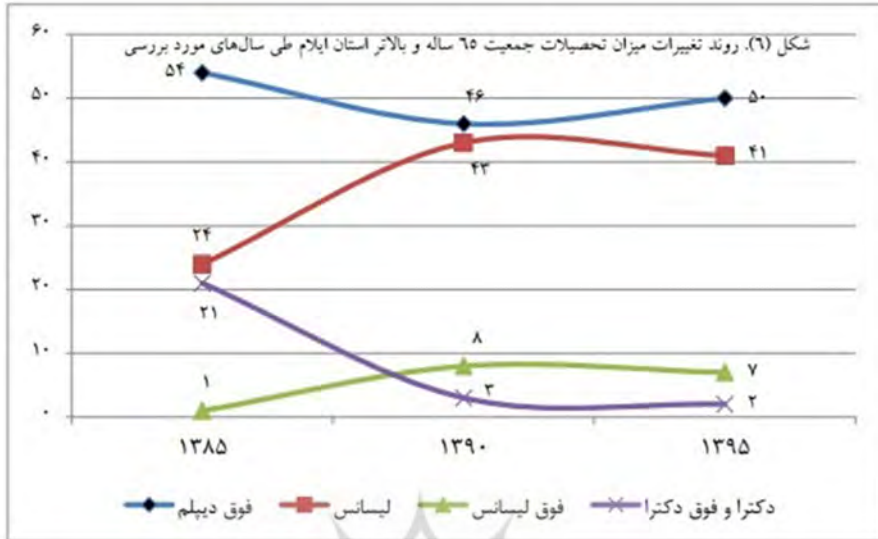
۳. شاخص‌های اجتماعی

سواد و تحصیلات

از متغیرهایی است که بر اساس آن می‌توان به تفاوت‌های فردی و میزان توسعه و پیشرفت جامعه پی برد، سواد و تحصیلات است. در سرشماری‌ها وضعیت این متغیر در بین جمعیت ۶ ساله و بالاتر اندازه‌گیری می‌شود.

برای پی بردن به وضعیت سواد در جامعه می توان تمامی گروه های سنی لازم التعلیم یا گروه های سنی خاص را مورد مطالعه قرار داد. بر اساس نتایج سرشماری، با گذشت زمان بر درصد جمعیت باسواد استان ایلام افزوده شده است. درصد باسوادی استان ایلام از ۴۷ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۸۲ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده؛ البته در تمام سال های مورد بررسی درصد باسوادی شهرنشینان بالاتر از مناطق روستایی و متوسط استان بوده است؛ اما جمعیت سالمند استان ایلام از نظر وضعیت سواد در سال های گذشته موقعیت مناسبی نداشته است. پایین بودن میزان باسوادی سالمندان نشان می دهد که در سال های گذشته اکثریت قریب به اتفاق جمعیت مخصوصاً در مناطق روستایی استان در سن جوانی که زمان مناسب آموزش است فرصت یا امکان مشارکت در کلاس های آموزشی و کسب سواد را نداشته اند و اکنون برای اینکه بتوانند در فعالیتهایی مورد علاقه خود مشارکت فعال داشته باشند ناگزیرند با استفاده از برنامه های آموزش رسمی یا غیررسمی، کاستی های آموزشی گذشته را جبران کنند؛ در واقع جمعیت بی سواد سالمند امروز جامعه ایلام همان جوانان نسل گذشته هستند که امکان تحصیل برای آنها فراهم نبوده است. با این همه، درصد باسوادی در بین سالمندان رو به افزایش است. این درصد در استان ایلام در سال ۱۳۶۵ حدود ۸ درصد بوده که در سال ۱۳۹۵ به ۲۹ درصد رسیده است.

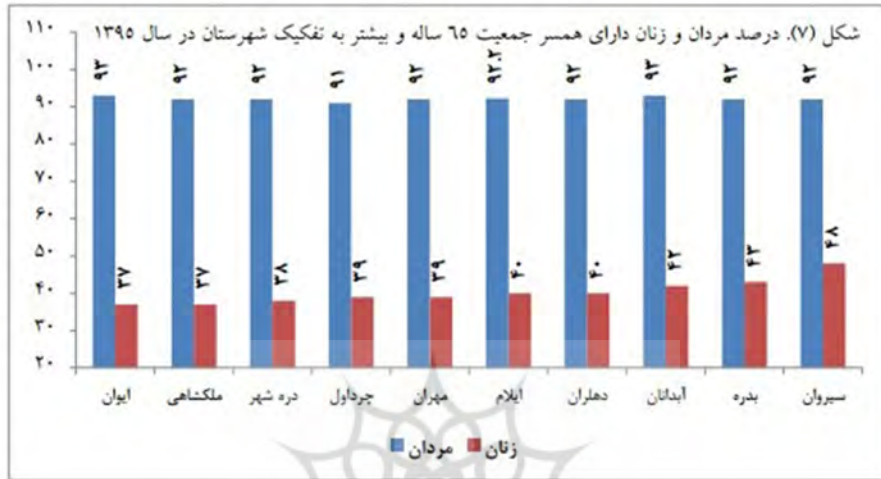




وضعیت زناشویی

روابط میان زن و شوهر در طول زندگی پیوسته دستخوش تغییر می‌شود. برای ترسیم این تغییرات در سرشماری‌ها معمولاً جمعیت ده ساله و بیشتر بر اساس وضعیت زناشویی به جمعیت دارای همسر، بدون همسر به دلیل فوت همسر، بدون همسر بر اثر طلاق و هرگز ازدواج نکرده تقسیم‌بندی می‌شود. بر اساس داده‌های حاصل از سرشماری، وضعیت زناشویی مردان و زنان در سن سالمندی قابل توجه است. در مورد افراد بی‌همسر بر اثر فوت باید گفت که در تمامی سرشماری‌ها درصد زنان بی‌همسر بیش از مردان بی‌همسر است. بالاتر بودن امید به زندگی و پایین‌تر بودن سن ازدواج در بین زنان و بیشتر بودن شانس ازدواج مجدد مردان در مقایسه با زنان، از علل عمده بالاتر بودن نسبت همسررداری مردان نسبت به زنان است. در ارزیابی وضعیت زناشویی سالمندان بر اساس محل سکونت باید گفت که در اکثر سرشماری‌ها نسبت جنسی و افراد دارای همسر در مناطق روستایی بیش از مناطق شهری و کل کشور بوده است. در مجموع تفاوت‌های جنسی در وضعیت زناشویی سالمندان متأثر از امید به زندگی بیشتر زنان در مقایسه با مردان، تمایل زنان به ازدواج با مردان مسن‌تر از خود و تمایل بیشتر مردان به ازدواج مجدد در هنگام از دست دادن همسر

است که جامعه شرایط ازدواج مجدد برای مردان را در مقایسه با زنان فراهم نموده است.



جمع بندی و نتیجه گیری

سالخوردگی جمعیت یکی از مهمترین تحولات اجتماعی قرن ۲۱ خواهد بود. این پدیده الزام‌های سیاستی مهمی برای همه بخش‌های جامعه از جمله بازار کار، بخش‌های مالی، تقاضا برای کالاها و خدماتی مانند مسکن، حمل و نقل و حمایت اجتماعی و همین‌طور ساختارهای خانواده و روابط بین نسلی خواهد داشت. در مطالعه حاضر، وضعیت اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی سالمندان استان ایلام در ۴ دهه گذشته بررسی شد. برای پاسخگویی به سؤالات پژوهش از روش تحلیل ثانویه استفاده شد. شاخص‌های میانه سنی، ضریب سالمندی و میزان سالخوردگی در استان ایلام نشان داد که بر اساس تقسیم‌بندی شرایاک و سیگل، جمعیت استان ایلام در سال ۱۳۸۵ وارد مرحله میانسالی (رو به سالخوردگی) شده است. بالاترین درصد سالمندان در شهرستان‌های سیروان (۸/۷۸ درصد) و بدره (۸/۵۰) و کمترین درصد در شهرستان‌های ایلام (۵/۰۱ درصد) و دره‌شهر (۵/۳۵ درصد) بوده است. نسبت جمعیت سالمندان در مناطق روستایی تا قبل از سرشماری ۱۳۸۵ بیشتر از مناطق شهری است و این در حالی



است که امید به زندگی در مناطق روستایی معمولاً کمتر از مناطق شهری می‌باشد. داده‌های حاصل از سرشماری نشان می‌دهد که در کل جمعیت و جمعیت ۶۵ ساله و بیشتر، نسبت جنسی بالاتر از ۱۰۰ است و این بالا بودن تعداد مردان در مقایسه با زنان در بین جمعیت استان ایلام طی سال‌های مورد بررسی را نشان می‌دهد. در مقایسه نسبت وابستگی کل و سالمندان به تفکیک محل سکونت مشاهده شد که معمولاً این نسبت در مناطق روستایی در تمامی سرشماری‌ها بالاتر از مناطق شهری و کل بوده است که این امر نشان‌دهنده بالابودن درصد سالمندان و بالابودن جمعیت مصرف‌کننده و غیرفعال در مناطق روستایی است. نظر به آهنگ پرشتاب کاهش باروری در طی سال‌های اخیر، پیش‌بینی می‌شود که حرکت به سمت سالخوردگی جمعیت شتاب گیرد. درصد باسوادی در بین سالمندان رو به افزایش است. درصد باسوادی سالمندان استان ایلام در سال ۱۳۶۵ حدود ۸ درصد بوده که در سال ۱۳۹۵ به ۲۹ درصد رسیده است. در تمامی سرشماری‌ها درصد زنان بی‌همسر بیش از مردان بی‌همسر است. بالاتر بودن امید به زندگی و پایین‌تر بودن سن ازدواج در بین زنان و بیشتر بودن شانس ازدواج مجدد مردان در مقایسه با زنان، از علل عمده بالاتر بودن نسبت همسررداری مردان نسبت به زنان است. در مجموع با توجه به شاخص‌های سالمندی محاسبه‌شده در مطالعه حاضر، روند تغییرات ساختار سنی جمعیت و ویژگی‌های سالمندان در استان ایلام، مشابه میانگین کشوری است.

منابع و مأخذ الف) فارسی

- احمدی، بتول، فرانگ فرزندی، بتول شریعتی، علی محمدیان و کاظم محمد (۱۳۸۵)، «امید به زندگی بیشتر و جمعیت سالمندی کمتر در زنان ایرانی»، مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی، دوره چهارم، شماره ۲.
- حسینی، حاتم (۱۳۹۲)، جمعیت‌شناسی اقتصادی اجتماعی و تنظیم خانواده، همدان: دانشگاه بوعلی.
- زنجان‌ی، حبیب‌اله، محمد میرزایی، کامل شادپور و امیر هوشنگ مهریار (۱۳۸۴)، جمعیت، توسعه و بهداشت باروری، تهران: بشری.

- سرایی، حسن (۱۳۸۲)، روش‌های مقدماتی تحلیل، توزیع و ترکیب جمعیت، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- سیدمیرزایی، سیدمحمد (۱۳۸۶)، «ملاحظات پیرامون ابعاد سالمندی با نگاهی به تجربه ژاپن»، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۳.
- _____ (۱۳۷۷)، «انتقال جمعیتی، علل و نتایج اقتصادی و اجتماعی آن»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۲، صص ۶۹-۸۹.
- شیر، محمد (۱۳۹۷)، ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی سالخوردگان بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵، تهران: پژوهشکده آمار.
- عزتی، مرتضی، زانا مظفری و خاطره علیلو (۱۳۹۸)، «اثر ساختار سنی جمعیت بر امنیت اقتصادی ایران»، پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، سال دوازدهم، شماره دوم، صص ۱۲۵-۱۵۹.
- فتحی، الهام (۱۳۹۹)، پدیده سالمندی جمعیت در ایران و آینده‌نگری آن، تهران: پژوهشکده آمار.
- کاشانیان، زهرا، حسین راغفر و میرحسین موسوی (۱۳۹۸)، «پیامدهای اقتصادی سالمندی جمعیت بر اقتصاد ایران (مدل تعادل عمومی نسل‌های هم‌پوش)»، پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۷۸، دوره ۲۴، صص ۳۱-۶۰.
- کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۸۴)، مبانی جمعیت‌شناسی، تهران: مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
- محزون، علی‌اکبر (۱۳۹۶)، «پنج‌جریه جمعیتی، انتقالات اقتصادی نسلی و چشم‌انداز سود جمعیتی اول و دوم در ایران»، جمعیت، سال بیست و چهارم، شماره ۹۹ و ۱۰۰.
- مرکز آمار ایران (۱۳۵۵)، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان ایلام، www.amar.org.ir.
- _____ (۱۳۶۵)، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان ایلام، www.amar.org.ir.
- _____ (۱۳۷۵)، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان ایلام، www.amar.org.ir.
- _____ (۱۳۸۵)، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان ایلام، www.amar.org.ir.



- _____ (۱۳۹۰)، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان ایلام، www.amar.org.ir.
- _____ (۱۳۹۵)، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان ایلام، www.amar.org.ir.
- میرزایی، محمد (۱۳۸۱)، گفتاری در باب جمعیت‌شناسی کاربردی، تهران: دانشگاه تهران.
- یاوری، کاظم، مهدی باسرخا، حسین صادقی و علیرضا ناصری (۱۳۹۴)، «نگاهی بر آثار اقتصادی پدیده سالمندی»، سالمند، دوره ۱۰، شماره ۱.

(ب) انگلیسی

- Bloom David E., Axel Boersch-Supan, Patrick McGee, and Atsushi Seike. (2011). Population Aging: Facts, Challenges, and Responses, PGDA Working Paper No. 71 Grant No. 1 P30
- Kelley, A. C. (2001). The population debate in historical perspective: Revisionism revisited.
- Mac Kellar, Vienna. (2003). Year Book of Population, Vienna institute of Demography.
- Mac Kellar, Vienna. (2033). Year Book of Population, Vienna institute of Demography.
- Ross, John. (1996). International Encyclopedia of population, volume one, New York, A pision of Macmillan publishing CO, Inc, 1996, P34.
- United Nations. (2019). World Population Ageing 2019, Department of Economic and Social Affairs, Population Division.
- Weil D. Accounting for the effects of health on economic growth. Quarterly Journal of Economics. 2007; 122(3):1265-306.